

جلسه ۲۱۹

**صورت مشروح مجلس پنجاه و بیست و هشتم آبان ماه هزار و سیصد و چهار مطابق دوم جمادی الاولی هزار و سیصد و چهل چهار**  
مجلس دو ساعت قبل از ظهر ریاست آقای تدین تشکیل گردید ( صورت مجلس سه شنبه بیست و ششم آبان ماه را آقای کی استوان قرائت نمودند

رئیس - آقای نظامی (اجازه)

نظامی قبل از دستور عرض دارم  
رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - قبل از دستور عرض دارم  
رئیس - آقای رضوی (اجازه)

رضوی بنده در دستور عرض دارم  
رئیس - نسبت بصورت مجلس ابرادی نیست

(گفتند خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد  
آقای نظامی (اجازه)

نظامی - بنده حاضر نبودم که از گذشته تکذیب یا تعریف کنم و از اوضاع حاضر تعریف کنم اصطلاح چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است ولی بواسطه نگرانی که راجع بمالاریای بلوک شهریار دارم ناچار هستم امروز عرایض خودم را بمعرض مجلس برسانم. اگر در خارج نگاه کنیم می بینیم که هر روز يك اقتضائی داشته

در زمان انوشیروان عدالت بود و در زمان ضحاک ظم بود قسمت هائی که خودم بخاطر می آورم يك چیزهائی بود که من انتظار نداشتم این گونه کارها را مملکت باشد.

مثلاً یکوقت از فرنگ موش میخریدند می آوردند اینجا در حالتیکه در اطراف این شهر رعیت های بیچاره میخواستند آن موش ها را دفع کنند چون تخریب می کردند یکوقت خودم بخاطر دارم که يك سگ قوی هیکلی در خیابان ناصریه دیدم که از فرنگ خریده بودند. باغ وحشی داشتیم که مردم برای تفریح می رفتند آنجا گردش میکردند

یکزمانی بود که جعبه حبس صوت می آوردند حالا می بینیم عرض موش ماشین فلاحی می آورند عوض جعبه حبس صوت تلگراف بیسیم می آورند در عوض آن سگ بزرگی که در خیابان ناصریه میدیدم حالا نانک و اتومبیل جنگی می بینیم

پس آن موقع من انتظار نداشتم که مرض مالاریا در مملکت موقوف شود

ولی امروز این انتظار را دارم. و وقتی را هم بهتر از این وقت نمیدانم. در سنه گذشته اگر نظر آقایان باشد راجع بگاو میری يك صحبت هائی اینجا شد فوراً يك لایحه تقدیم مجلس شد و آقای تیمور تاش سی هزار تومان اعتبار گرفتند

حالا با تأسیساتی که در حصارک شده اگر ملاحظه بفرمائید تصدیق خواهید فرمود که يك یادگار خیلی بزرگی است در این مملکت برای همین اقدام باقی خواهد ماند ولی متأسفانه سال ها است که شنیده میشود جوانان ایرانی در اطراف پایتخت بمرض مالاریا جان میدهند و کسی تفقدی بحال آنها نمیکند

بنده امروز از مقام ریاست استدعا میکنم که این پیشنهاد خشکانیدن باطلاق های شهریار و رفع مالاریا جزو دستور قرار دهند که بنده از این نگرانی خلاص شوم.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - آقای رئیس کمیسیون عرایض گویا بیرون تشریف بردند بنده سئوالی از ایشان داشتم. همانطور که یزید روزم در مجلس عرض کردم با اصل مسامحه کاری آنهم در مجلس مخالفم. يك اشخاصی از پارسال تا بحال طلب کارهای وزارت پست و تلگراف متصل مزاحم آحاد و افراد و کلا در موقع عبور و مرور مجلس شده اند و عریضه های خود را هم کتباً بمجلس و به کمیسیون عرایض فرستاده اند و تا امروز بنده اطلاع ندارم که ترتیب اثری به عرایض مردم داده شده باشد منجمله از باب بهمنست ( اعم از اینکه این اشخاص حق داشته باشند یا نه بنده کار ندارم که این شخص حتماً طلب کار دولت است یا نه)

یا سایر طلب کارهای راه شاهرود و راه اصفهان و راه های دیگر اینها طلبکار هستند یا نیستند

در هر صورت يك وزارتخانه مسئول بایه گوش بحرف مردم بدهد اینها متصل میروند در وزارت پست و تلگراف و مطالبات خودشان را مطالبه میکنند و از طرف وزیر یا سایر مقامات مسئولیت دار بآنها جوابی داده نمیشود می آیند عرض حالانرا بمجلس میدهند مجلس را هم بنده ندیدم که اقدامی در این باب بکند بنده می خواستم پیش نهاد کنم که کمیسیون عرایض این قبیل مسائل را بیاورد بمجلس

اگر حقیقتاً وزیر پست و تلگراف را در کمیسیون خواسته اند و آنجا جواب صحیح نداده اند کمیسیون وظیفه قانونی خودش را باید عمل کند و راپورت خودش را بمجلس بدهد که این قبیل مسائل در مجلس مطرح

شود و تکلیف مردم معلوم شود والا اینکه وضع نمیشود مردم بروند در يك وزارت خانه مطالبات خود را مطالبه کنند وزیر جواب سرالایه شان بدهد. اگر حقیقة اعتبار ندارد بمجلس پیشنهاد بکند در هر صورت بکنفر وزیر مکلف و مجبور است که جواب افراد مردم را بدهد بخصوص طلب کار های دولت و چرا تا کتون کمیسیون عرایض در این باب اقدامی نکرده ؟

رئیس - آقای مخبر کمیسیون عرایض توضیحی دارند ؟

دکتر آقایان (مخبر کمیسیون عرایض) کمیسیون عرایض سابق چه در باب آقایانی که در مجلس متحصنند و چه در باب سایر متظلمینی که مراجعه بمجلس مینمایند کمال جدیت را بخراج داده است

بنده از آقای شیروانی متشکرم که این صحبت را فرمودند و بنده اجازه دادند که در اینجا عرض کنم اغلب وزارتخانه ها و مخصوصاً وزارت مالیه جواب هائی که بکمیسیون عرایض میدهند نه سردارد و نه ته دارد و نه منطق

اصولاً وزارتخانه های ما هنوز ببقیة من ترتیب قانونی پیدا نکرده اند که جوابی بدهند که موازنه با يك میزان قانونی داشته باشد

يك مثلی عرض میکنم برای اینکه قضیه کاملاً کشف شود وزارت پست و تلگراف جواب مینویسد که بار باب بهمن جواب منفی داده ایم در صورتیکه قضیه به حکمیت رجوع شده است و بحکمیت دولت محکوم شده و طرفین التزام قانونی سپرده اند

وقتی کمیسیون از وزارت مالیه سؤال میکنند که آقا کتاب فروش های تبریز شکایت میکنند که شما يك مالیاتی بسته اید. این مالیات چه صورتی دارد ؟ بدون اینکه تصور کنند حدود و حقیق يك وزارتخانه از کجا شروع و بکجا تمام میشود جواب مینویسند چون يك اصنافی يك وقتی در تبریز بوده اند و مالیات صنفی میداده اند حالا آن اصناف نیستند بنابراین مالیاتی که متعلق بآن اصنافی بود که کتاب فروش نبودند و حالا وجود ندارند مالیات آنها را بسته اند به کتاب فروش ها

بنابراین دیروز جواب خیلی سختی از طرف کمیسیون نوشته شد که اینها از حدود وظایف وزارتخانه خارج است این عملیات را موقوف کنید و اگر چنانچه میل دارید يك مالیاتی بر کتاب فروش وضع شود چون کتاب فروش مالیات نمی دهد آن يك امریست علیحده پیش نهاد کنید به مجلس

مطابق مذاکره ای که در کمیسیون شد قرار بر این شد که يك راپورت جامعی همین روزها تقدیم مجلس شود تا اصولاً

تکلیف و مناسبات وزارت خانه ها را بمجلس مخصوصاً با کمیسیون عرایض معلوم کنند

جمعی از نمایندگان - دستور رئیس - در جلسه گذشته در موقع اخذ آراء نسبت بشهریه مجد السلطنه افشار که در نتیجه اکثریت حاصل نشد بنده عرض کردم تصویب نشد ولی کلمه رد را عرض نکردم مقصودم از (تصویب نشد) این بود که بلا تکلیفست

چون ممکن بود سوء تفاهمی حاصل شود لازم دانستم بعرض مجلس برسانم. خبریست از کمیسیون عرایض و مرخصی راجع بمرخصی بیست و دو روز آقای ارباب کیخسرو از تاریخ بیست و یکم آبانماه بمعرض مجلس میرسد (بشرح ذیل خوانده شد)

خبر از کمیسیون عرایض و مرخصی بمجلس شورایی

آقای ارباب کیخسرو و شاهرخ نماینده محترم تقاضای بیست روز مرخصی از تاریخ ۲۱ آبانماه کرده و نظر باینکه در ادوار سابقه نیز تقاضای مرخصی نکرده بودند و زحماتی را که در حفظ امورات مرجوعه متحمل بوده طوری رضایتبخش و محل تمجید است که در این موضوع محل انکار برای احدی نیست و بعلاوه يك گرفتاری های خانوادگی نیز دارند که مستلزم باغیثت ایشانست هلیهها کمیسیون تصویب مینماید.

رئیس - رأی میگیریم به مفاد این خبر.

آقایانی که موافقند قیام فرمایند. (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. آقای رضوی راجع بدستور فرمایشی داشتند.

رضوی - يك لایحه در هفدهم همین ماه از طرف دولت تقدیم مجلس شد راجع بتأسیس صلحیه های نواحی در ولایات. چند روز هم هست طبع شده و این مسئله خیلی لازمست برای اینکه ولایات صلحیه خیلی لازم دارد چون دعوایش خیلی مختصر است و نمیتوانند بجای دیگر هم مراجعه کنند.

در همدان ما يك صلحیه بیشتر نداریم اگر بخواهند بروند در صلحیه برای پنج تومان دعوی شش ماه دیگر باید بدعوایشان رسیدگی شود. اینست که تقاضا میکنم این لایحه دولت جزو دستور شود و تکلیفش معلوم شود تا صلحیه ها تأسیس شود و کارهای مردم تسویه شود.

رئیس - چون بکمیسیون مربوطه ارجاع شده و راپورت آن هنوز نرسیده است باید تاویل بفرمائید تا راپورت کمیسیون بیاید.

معاون وزارت مالیه - نظر باینکه

گامبرری تدبیراً خیلی شدت پیدا کرده و در اطراف و نواحی همه جا تلفاتی وارد میکند باینجهت برای اینکه مؤسسه دفع آفات حیوانی يك قدری توسعه پیدا کند و زودتر بتواند دفع این مرض را بکنند مبلغ بیست هزار تومان پیشنهاد شده است که برای توسعه مؤسسه دفع آفات حیوانی تصویب شود.

پیشنهاد دیگری معادل پنجاه هشت هزار تومان بمجلس تقدیم میشود برای اینکه اضافه شود بر مصرف علیق حمل و نقل دولتی. زیرا قیمت علیق علاوه شده و اداره حمل و نقل دولتی با آن مبلغی که در اول سال پیش بینی شده بود تا آخر سال نمیتواند بر گذار کند.

باینجهت تقاضا میشود توجهی باین لایحه بشود و زودتر بگذرد.

لایحه دیگر راجع به برقراری شهریه است برای دبیر اعلم سابق میرزا تقیخان محمدی از اعضاء قدیمی وزارت داخله برای اینکه مطابق قانون استخدام نمی توانسته است مشمول حقوق تقاعدی شود باینجهت این لایحه تقدیم میشود.

رئیس - این سه لایحه به کمیسیون بودجه قدیم ارجاع میشود. آقایان آقا شیخ جلال و روحی و اسمعیل خان قشقائی پیشنهاد کرده اند لایحه ممیزی در درجه اول دستور باشد. مخالفی نیست نسبت باین پیشنهاد؟

(اظهار شد خیر)

رئیس - ماده دوم خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع بقانون ممیزی که بر حسب پیشنهاد بعضی از آقایان ارجاع بکمیسیون شده بود قرائت میشود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۲ - در صورتیکه مأمورین مالیه بواسطه بدی جنس از قبول عین محصول ملکی استنکاف نمایند مؤدی مالیاتی می شه ریور اه و مهر ماه نقداً تسعیر نموده قیمتش را بپردازد.

تبصره - مقصود از مالیات جنس گندم و جو و شلتوک است و بقیه عایدات تسعیر و جزو مالیات نقدی منظور خواهد شد.

حائز زاده - جمله (شهریور ماه و مهر ماه) تبدیل شد بجملة (در موقع برداشت محصول) برای اینکه دیدیم در تمام نقاط مختلفه مملکت نمی شود موقع برداشت محصول را در شهریور ماه معین کرد از این جهت (در موقع برداشت محصول) شد.

رئیس - در ماده دوم بعد از ارجاع بکمیسیون اصلاحاتی شده با اصلاحات به عرض میرسد. این خبر اول بود.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۲ - در صورتیکه مأمورین مالیه

بواسطه بدی جنس از قبول عین محصول ملکی استنکاف نمایند مؤدی مالیاتی می تواند بقیمت متوسط جنس آن بلوک در شهریور ماه و مهر ماه نقداً تسعیر نموده قیمتش را بپردازد و نیز مؤدی حق خواهد داشت که در هر صورت سه خروار از جنس بدی خود را به نرخ عادله شهریور ماه و مهر ماه همان بلوک مسعراً بپردازد.

رئیس - این ماده بطوری که اخیراً قرائت شد مطرح است. آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - این مسئله مکرر در اینجا مذاکره شد و یکباره از آقایان معتقد بودند بنده هم همان عقیده بعضی از رفقا را دارم که اساساً بایستی مالیات مسعراً و نقدی بشود زیرا مالیات جنسی يك ضرر هائی هم برای دولت دارد و هم برای مؤدی مالیات. از برای دولت يك مخارج کلی تحمیل میشود از قبیل اینکه انبارداران بار درست کند و گاهی يك اختلافاتی هم در فروش پیدا میشود.

خود بنده چند سال قبل دیدم امین مالیه دامغان در موقع خودش جنس را ازش میخریدند دوازده تومان و با يك ساختگی هائی باینکه بمزایده گذاشت در موقع عملش هفت تومان فروخت.

يك وسائل تقلبی برای مأمورین یعنی بعضی مأمورین فاسد هست که ضررش هم بدولت میخورد هم بمردم و اگر بنا شود مالیات نقدی شود این ضررها مسدود میشود گذشته از این مخارج انبار داری هم برداشته میشود.

خیلی از اشخاص را بنده دیدم که انباردار هستند و ماهی شش هفت تومان حقوق منظم دارند و بالاخره در نتیجه چند سال انبارداری دارای يك ثروت کلی شده اند و این ثروت را فقط از روی دزدی و از روی اینکه تفاوت سنگ از برای مردم درست میگردند انداخته کرده اند اما از مردم وقتی که جنس شد يك تفاوت افت و سنگی با آنها حساب میشود و يك کرایه هم از آنها گرفته می شود.

مخصوصاً پس از اینکه این ماده سوم مینویسد بایستی تا پنج فرسخ را بیاورند دو فرسخ کرایه اش بهمه مؤدی مالیاتی است. و سه فرسخ را از مالیه بگیرد. این ماده سوم هم که بلا تکلیف ماند بلا تکلیف ماند این ماده هم بضرر مردم تمام میشود.

خیال نشود که چون این ماده بلا تکلیف مانده دیگر در هر محلی مالیه جنس خودش را از همان محل خودش خواهد گرفت.

خیر اگر باز ده فرسخ هم باشد میگوید باید بیاوری در مالیه اگر این ماده درست میشد کرایه تا دو فرسخ بمؤدی مالیات بقیه اش با مالیه محسوب میشد ولی حالا به عکس نتیجه خواهد داد. اگر باز ده فرسخ

راه هم باشد چون هیچ چیز در قانون پیش بینی نشده که تا چه قدر کرایه راهش بهمه مؤدی مالیاتی است و چه قدرش با مالیه است مالیه تکلف میکند مردم را که از پانزده فرسخ راه بیاورند و در انبار مرکزی تحویل بدهند.

مالیه هم حق دارد. زیرا در هر ده فرسخی تمی تواند انبار داشته باشد و برای جمع آوری صد خروار جنس مأمورینی در پنجاه یا چهل ده متر فک کند. بنا بر این عقیده بنده اینست که اگر مالیات تسعیر و نقدی شود همه جا هم برفع مالکین وهم برفع رعایا وهم برفع دولت تمام میشود.

گذشته از اینها آقایانی که میخواهند طرفداری از فقرا بکنند از روی اصول مسلکی آنها باین بیشتر اصرار داشته باشند زیرا مالکین (بخصوص يك قسمتی) این جور ضررها را نخواهند کرد. هر کس يك خریا اسب یا مادبان دارد باز مالهای رعیتی میکنند و اگر پانزده فرسخ راه هم باشد میگویند بپردازند در انبار مالیه تحویل بدهید.

آنوقت باید مردم بروند دوسه روز درب انبار مالیه معطل شوند تفاوت سنگ و افت هم از شان بگیرند. فقط يك تحمیل زیادی بمردم میشود اسباب ضرر دولت هم هست و به نفع انبار دارها نخواهد بود.

بعضی از نمایندگان - صحیح است. حائز زاده - در موضوع تسعیر جنس که اساس فرمایش نماینده محترم بود. نقاط مملکت اختلاف دارد بعضی جاها هست که هم نفع دولت وهم نفع مردم در تسعیر جنس است. ولی نقاطی مثل سیستان داریم که پولشان کم هست و اگر خواسته باشند تسعیر کنند پول ندارند و اسباب زحمت است. نقاطی که جنس زیاد است این گرفتاری را دارند.

دولت جنس موجودی خودش را در آذربایجان و سیستان در سال گذشته نتوانسته بفروشد که از سایر نقاطیکه ممکن بوده ذخیره داشته برای طهران حمل کند و اگر خواسته باشیم رعایا را مجبور کنیم که جنس را تسعیر کنند این برای مردم اسباب زحمت است، و اما راجع بدو فرسخ و پنج فرسخ آن هم که مربوط بماده سوم است و حالاً مطرح نیست.

رئیس - آقای میرزا محمدخان.

(اجازه)

آقا میرزا محمد خان وکیل - مخالفت بنده در این قسمت نیست که آقای دامغانی فرمودند - مخالفت بنده در این کلمه است که این جا نوشته شده در صورتیکه مأمورین مالیه بواسطه بدی جنس از قبول عین محصول ملکی استنکاف نمایند - مؤدی مالیاتی می تواند بقیمت متوسط جنس

آن بلوک تسعیر نماید - معنی این جمله این است.

اولاً دو قسمت است بنده نمیدانم مقصودشان از بدی جنس کدام است؟ اگر عین جنس اصلا بد باشد یا اینکه آن رعیت جنس را با خاک و آشغال مخلوط کرده باشد و باین جهت اداره مالیه استنکاف کند.

اگر قسمت اول مقصود است که عین جنس بد باشد و در طبیعت گندمش سرخ یا سیاه باشد این خیلی بی انصافی است برای اینکه با طبیعت نمی شود مخالفت کرد اگر بخواهیم همیشه طبیعت موافقت کند این ممکن است خوب فرضاً گندمش بد باشد آنوقت باید برود از جای دیگر گندم خوب بقیمت بالاتر بخرد و بیاورد؟ و اگر قسمت دوم مقصود است اعتراضی ندارم ولی باید این جا تصریح شود. اعتراض بنده در این قسمتش است حالاً نمیدانم کدامش هست بفرمائید تا دوباره عرض کنم.

رئیس - آقای نظامی - موافقت؟

نظامی - بلی.

رئیس - بفرمائید.

نظامی - عرض کنم تسعیر جنس از برای مالک و رعیت هر دو اسباب زحمت است فقط در قراء کوه یاب که محصول آنها چندان زیاد نیست میتوان جنس آنها را بطور استثناء تسعیر کرد مثلاً اگر در يك ملک هزار خروار گندم موجود باشد ولی بد باشد مأمورین مالیه هم مالیات بخواهند تکلیف آن مالک یا رعیت چیست؟

اگر آقایان ملاحظه و رعایت رعیت را می کنند در بعضی نقاط جنس تمیز نیست آنوقت مالیه رعیت را مجبور می کند و از اش پول میگیرد.

ولی وقتی بنشیند عین جنس باشد البته هم آسایش رعیت است هم آسایش مالک و دیگر اینست که اگر جنس خریدار نداشته باشد مجبور نیست که دست و پائی بکند و مشتری برای جنسش پیدا کند زیرا که در موقع تحویل به انبار يك کنتراستی می شود و همان انبار بالاخره خریداری میکند. حالا اگر در انبار يك تمهیداتی نسبت بمردم بشود این را نمیشود مدرک قرار داد و جنس مالیاتی را تسعیر کرد که باین بی پولی مملکت يك وقت اگر دولت خریدار جنس نباشد مالک و رعیت بیچاره در چهار زحمت بشود که برود اسبابش را بفروشد و پول تهیه کند.

اداره ارزاق جنس لازم دارد از همین محصولی که عاید می شود جنس خودش را می برد فقط در صیفی باید نقدی باشد ولی در قسمت قراء کوه یاب مثل شمیران يك قسمتهائی هست که باید بروند و از ورامین جنس خریداری کنند. و يك کرایه هم بدهند و به آنجا به آنجا ببرند دولت هم که باید يك کرایه بدهد و جنس را از شمیران ببرد

به انبار - برای آنها بد نیست تسعیر بکنند این بود عقیده بنده .  
 رئیس - آقای کازرونی .  
 (اجازه)  
 کازرونی - عرض می کنم ماده دوم طوری تدوین شده که در هر صورت اختیار را بدولت داده دولت هر وقت بخواهد تسعیر کند میگوید جنسش بد است این (بد است) یعنی چه؟ - وقتی که گفت جنسش بد است چه باید بکنند؟ این جا بصاحب جنس یا بزراع میگوید بیانسیر کن معلوم است که یک فرجه هم ندارد با جنس است یا پول جنس - جنس که نخواست باید پول بدهد .  
 در واقع این ماده می خواهد سلب اختیار از زارع بیچاره بکند و اختیار را بطور اکتل به مالیه داده باشد .  
 این عبارت که اینجا است اینطور است اگر واقعاً این است مقصود در برده چرا ؟ آشکارا بگوید وزارت مالیه مجاز است و میتواند یا عین جنس را بگیرد یا تسعیر کند .  
 دیگر منت سرزراع بیچاره نگذارند لیکن بنده هم مانند آقای شریعت مدار حقیقتاً خوب که مطالعه می کنم می بینم که گویا بهتر این باشد که بیایم مالیات را نقدی کنیم چرا؟ برای اینکه در گذشته برایمان حاصل شده که هر طوری که میل واراده مأمورین مالیه باشد بالاخره همان کار را می کنند .

پس بهتر این است حتی الامکان مالیات ساده و مستقیم و سهل و آسان باشد ولو اینکه زارع یا مالک واقفا متضرر شود اما نزع و بیج و تابش کمتر باشد بهتر است و بالاخره هم شاید به نفع آنها تمام شود و الا ملاحظه کنید در خصوص فرسخ های آوردن جنس چقدر گفتگو میشود و چقدر زارع بدبخت باید نوسری بخورد و بالاخره کارش بجائی خواهد رسید که باید اجناس را روی دوش خودش بگذارد و هر جا که باو نشان بدهند ببرد و توجیل بدهد .  
 یکوقت مال نیست! یکوقت نمیتواند بملاده اگر این سه فرسخ و پنج فرسخ شد کسی بدلتش میرسد که به بند طرز معاملات و رفتار از چه قرار است .  
 آینه را هم قیاس بگذشته بکنید گذشته را با آینه قیاس نکنید حتی - الامکان یک کاری بکنید که مردم اگر چنانچه در فشار هم هستند ولی بدانند که فشارشان محدود به یک حد معینی است .  
 رئیس - آقای اسر موافقت؟  
 اسر - بلی عقیده بنده این بوده است که قانون میزنی هر چه زودتر بگذرد ولو بنظر ما هم یک چیزهایی بیاید بهتر است که بگذاریم در موقه عملیات یعنی وقتیکه

پول افتاد و دیدم اشکالی پیدا کرد درست کنیم .  
 الان چهار سال است که مردم منتظر قانون میزنی هستند در صورتی که از دوره اول مجلس که مملکت مامور شده است و قانونی تر شده به مردم وعده میزنی کرده اند و اینها بنده همیشه دارم اگر یک چیزهایی آقایان بنظرشان میرسد صرف نظر بکنند بهتر است ولی چون این مطالب یک قدری بی جواب میباشد باید عرض کنم که طهران را با جا های دیگر باید یک قدری فرق گذاشت هم جامیدان معصیه ندارد همه جا اداره ارزاق ندارد .  
 شاید ۳ یا ۵ ولایت اداره ارزاق داشته باشد .  
 فرمودند کوهستان جنس ندارد همه کوهستانها هم مثل شیران نیست در قوچان اکثر جاهایش کوهستان است و سالی صد هزار خروار هم غله میدهد .  
 خیلی جاهای دیگر دشت است غله اش هم کم هست اینها یک مطالب جزئی است و قابل قیاس نیست .  
 کردستان غالبش کوهستان است گندمش هم زیاد است پس باید تمام اینها را مد نظر گرفت و نقشه ایران را نگاه کنند و تمام جاهای را در نظر بگیرند آنوقت یک حکم کلی که شامل اکثر جاها بشود بکنند .

در اینکه مسلماً مالیات نقدی - یعنی اگر تمام اجناس را نقدی بگیرند اسباب زحمت برای مردم است حرفی نیست برای اینکه همانطوریکه آقایان فرمودند جنس دولت فروش نمیرود یا اینکه طول دارد بفروشد .  
 مردم بطریق اولی جنسشان راه سال ۶ سال نمی فروشند .  
 پس بکلی نباید نقدی باشد اما آنقسمت که کمسیون پیش بینی کرده خیلی است که تا ۳ خروار بتوانند جنس خود را تسعیر کنند چون غالب اشخاص که جنس دارند یعنی زارعین بیچاره اگر یک خانواده هفت هشت نفری باشند که خوراک سالیانشان بیش از ۳ خروار نیست اگر احتیاج به جنس نداشته جنس میدهند منتها باید آن قسمتی را که آقایان فرمودند توضیح داده شود که در صورت بدی جنس و استتکاف باید تا ۳ خروار تسعیر شود یا اینکه در هر صورت ۳ خروار تسعیر شود .  
 بعلاوه آن مسئله که آقای شریعت - مدار تذکر دادند راجع بولیات اگر آنها را تصریح بکنند که همانطوریکه سابقاً قرار شده چند فرسخی دو فرسخ ۳ فرسخ هر چه کمسیون پذیرفته تصریح شود که کرایه با مالیات دهندگان است و

ماده مهمی است که مربوط به ارتباط مردم با مالیه است و اگر یک قدری دقت درش بشود نظر های مختلف گفته شود به عقیده بنده بویژه است از اینکه گفته شود مذاکرات کافی است .  
 رئیس - عرض می کنم برای رأی کافی نیست مذاکرات را ادامه میدهم آقای اسمعیل خان قشقائی .  
 (اجازه)  
 اسمعیل خان قشقائی - قسمتی از عرایض بنده را آقای کیل اظهار کردند و محتاج بیان ریاست نمایانم این جا می - نویسد در صورتیکه مأمورین مالیه بواسطه بدی جنس از قبول عین معصوم ملکی استتکاف نمایند مودی مالیاتی میتواند به قیمت متوسط جنس آن بلوک در شهر یور ماه و مهر ماه نقداً تسعیر نموده قیمتش را بپردازد و نیز مودی حق خواهد داشت که در هر صورت ۳ خروار از جنس بدی خود را به نرخ عادلانه شهر یور ماه و مهر ماه همان بلوک مسعیر آید .  
 خوب اگر تسعیر کردند همان روزی که تسعیر کردند فوراً باید پول بپردازد که پول ندارد باید بهر قیمتی که ممکن است جنس را بفروشد و پولش را بدهد .  
 پس خوب است اگر هم بنای جنس تسعیر شود پولش را اقلاً با قسط بدهد که فرجه داشته باشد بعد از آنهم جهت ندارد و ممکن است بهمان قسمتی که فرمودند عین جنس را از او بگیرند منتهی خاک و شاشاک نداشته باشد .  
 این هم که در تبصره بگویند فقط گندم وجو و شلتوک را دولت جنس بگیرد و باقی را نقدی بگیرند .  
 این قانون برای طهران نیست برای ساوجبلاغ تنها نیست - جاهائی هم هست که جنسش فقط خرماست ارزان است - نخواستند - نقدی از کجا بیارند بدهند؟ در جاهائی هم هست که هیچ مشتری نیست .  
 لهذا عقیده بنده این است که دولت حق دارد از تمام عایدی این ملک عین مالیاتش را جنس بگیرد و نقدی را هیچ معتقد نیستم یعنی دولت باید از جنس که عمل میاید حق خودش را بگیرد .  
 اینکه میگویند اسباب زحمت برای مردم است خیر همان اداره ارزاق برای زحمت مردم کفایت میکند - یک جا پول میگیرند یک جا هم ارزاق بهر قیمتی که بخواهد میبرد و آن قیمت را هم نادوسال نمی دهد و اینهم که آقای اسر فرمودند تا سه خروار واکه مالک میل داشته باشد تسعیر کند - بنده هم معتقد هستم ولی چه نازان به ارشش ماهه افکندن چنین بنا بر این بنده عقیده ام این است که از هر ملکی هر چه

حاصل بیرون میاید دولت هم از همان جنس مالیاتش را بگیرد .  
 معاون وزارت مالیه - بنده خیال می کردم یک مقداری از مذاکرات را که حالا می شود بخاطر آن است که در دفعه اخیری که مذاکره شده است همه تکرار شده است و دیگر هیچ احتیاجی نداشته باشیم که تکرار کنیم خاصه اینکه لایحه رفته به کمیسیون و باز در آنجا یک مراجعات مختصری علی المعجاله شده و کمیسیون در نظر دارد دولت هم البته موافقت میکنند که به یک سر و صورتی که منتهی شود بگذشتن لایحه انجام کار صورت بگیرد .  
 حالا باز در آن صورتی که کمیسیون ترتیب داده مذاکراتی شود که قبلاً هم شاید جوابهایی عرض شده است بطور کلی اگر آقایان اجازه بفرمایند عرض کنم که اگر نسبت بقوانین عموماً و این قانون بالغ خصوص وقتی بخواهم یک ماده یا یک فقره یا یک تبصره را تصویب یابد کنیم نظر بکنیم که این قانون در موقع عمل از طرف آن بدترین و نازیب ترین مأمورینی که ممکن است در مملکت ایران وجود داشته باشد چه صورتی پیدا میکند قانون نمی شود ولی اگر بنظری که بطور کلی مقتضی است برای مملکت و برای مأمورین دولت متناسب است و برای عامه مردم متناسب است و برای یک اداره هم مثلاً متناسب است قانون را اگر آنطور وضع کنیم آنوقت باید متوجه باشیم باینکه اگر یک مأمور بد عملی پیدا شد باید او را مجازات کرد و اگر یک مودی مالیات هر جنسی هم پیدا شد او را خوش جنسش کرد .  
 اینها یک چیزهایی است که در درجه دوم باید ملاحظه شود و الا قانون را باید نظر کلی وبدون اینکه نظر باشخاصی داشته باید وضع کرد و باید بطور کلی قانون را برای عموم وضع کرد .  
 مسائلی که گفته میشود اغلب میبینیم که محل تردید یا اشکال برای آقایان نمایندگان محترم واقع میشود و خوب می دانم که ناشی از چه چیز است ناشی از این است که شاید واقفاً فرض شود یا ممکنست مورد هم پیدا کرده باشد که یک مأموری بطریق صحیح عمل نکرده باشد و این عمل بد از نظر نماینده محترم دورنی شود این جهت منتفی می شود در موقع وضع قانون .  
 ملاحظه بفرمائید بطور کلی در دفعات گذشته که این قانون مطرح بود بنده عرض کردم بدلیل زیادی وزارت مالیه نتوانست موافقت کند با ضافه ضمناً عرض کردم که

علی المعجاله یک امری در جلودست و پایمان افتاده و همه مان منتفت هستیم .  
 این یکی از دلایل آقایان فرمودند امر ارزاق برای ما کافیست .  
 اما این چه مربوط است بمالیه و لکن مطالبی هست که نوعاً جداسات ما از حیث اثر و عمل گاهی با هم کمک میکنند ولی بطور کلی عرض کردم که امروز مقدمات این کار در وزارت مالیه برای تسعیر جنس کاملاً آماده نیست ولی یک لایحه قانونی که نقش ضررش آسایش مردم تسهیل امر برای اجرا تمام اینها رعایت شده باشد در دست وزارت مالیه است و مدتیست مشغولند و اطلاعات جمع می کنند و از همه طرف اطلاعات میخواهند که به یک وجه خیلی صحیحی که متناسب با جمیع جهات باشد قانونش را درست کنند و تقدیم مجلس کنند .  
 این کار خواهد شد و این قانون خواهد گذشت ولی علی المعجاله اگر بخواهیم مطلق تسعیر این قانون را بکنیم این غیر ممکنست که وزارت مالیه بتواند موافقت بکنند مگر اینکه مجلس رأی بدهد .  
 البته اگر مجلس امر بدهد که قانون را این طور میخواهیم اجراء کند و اهم از اینکه نفع دارد یا ضرر دولت باید اجراء کند و البته امر مجلس مطاع است و همانطور هم عمل خواهد شد بالاخره پیشنهادهائی برای تسعیر یک مقدار جنس شد که اخیراً در کمیسیون مذاکره شد و باین صورت درآمد حالا فرض کنیم که دولت موافقت کند با تسعیر کلیه جنس آن وقت چنانکه در کمیسیون هم مذاکره شد تازه وارد شده ایم در یک مشکلاتی که در نظر آقایان همیشه یک هیولائی می شود نسبت باینکه آیا ما مورچه خواهد کرد ما میگوئیم جنس بد .  
 مقصود دولت از جنس بد اینست که اگر برای مودی مالیات دادن جنس صحیح ممکن باشد و نخواهد بدهد و بخواهد استفاده بکنند جنس بد بدهند (مثال عرض میکنم) اگر یک مودی مالیاتی که چهار پنج شش پارچه ملک دارد و محصول از آن املاک بر میدارد همه آقایان میدانند که محصول به نسبت اراضی تفاوت می کند بسا ممکنست که دوزمین باینکه بزرگ مجاورند بنیم ذرع فاصله محصول یکی خوبست مال یکی بد است اینهم اصلاً تعصیر مالک نیست آن وقت کسی که مالک است برای دادن جنسش بانبار دولت نسبت بمام ثمت های محصول چشم مبارک خودش را می پوشاند و فقط این قسمت از جنسش که بد است میخواهد به انبار دولت بدهد در این مورد طبیعتی است مأمور دولت میگوید شما جنس مرغوبتان را بدهید زیرا این را باید نان بکنیم و بپردازیم .  
 چنانکه الان هم همین طور است و

البته منظور این نیست که اگر کسی یک قطعه ملک دارد و یک جنسی از آن جا بیرون آمد که مرغوب بنظر نیامد باو بگویند باین جنس را بگذار و بپرد از جای دیگر جنس مرغوب بخرد بدولت بدهد .  
 مقصود این نیست خاطر آقایان آسوده باشد پس بنا بر این قانون را باید یک طوری وضع کرد که مورد ندمه بدست مأمورین بدست یک مودی که خوش حساب نباشد از طرفی آقای اسمعیل خان قشقائی فرمودند با قسط گرفته شود . بنده گمان میکنم ذکر اقسا در این مورد هیچ ضرورت ندارد زیرا نظامنامه برای وصول مالیات نوشته شده و طبع شده است و اگر لازم باشد خدمت آقایان ارسال می شود ملاحظه بفرمائید .  
 بعضی از نمایندگان - بسیار خوبست معاون وزارت مالیه در آن نظامنامه چه نسبت بقصد وجه نسبت به جنس ترتیب معین شده که اسباب رفاه حار را با باشد مادر این قانون فقط بطور مطلق می خواهیم به بینم که کیفیت و ماهیت مطلب چه طور باید باشد و دیگر این که میفرمایند از کلیه محصول باید جنس گرفته شود مثلاً بنده هم گرفته شود . قیسی هم گرفته شود . صیفی هم گرفته شود .  
 بسا ممکن است که توسه پیدا بکند بجای دیگر هم برود و در باغات صورت های دیگر پیدا کند بدیهی است در گرفتن مالیات نسبت باصول نقد و جنس مطالعات زیاد شده است و این آخرین مرحله ایست که در نظر گرفته شده که آیا دولت از حیث جنس چه چیزهایی را می تواند بگیرد و از حیث نقد چه چیزها را .  
 چه چیزها است که باید بصورت نقد در بیارند و چه چیزهاست که عین جنس را باید قبول کند و غیر از این اگر بشود نه مالی خواهد بود و نه صرفه برای مالک و دولت خواهد داشت .  
 بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .  
 رئیس - پیشنهادهای واصله قرائت می شود .  
 (شرح ذیل خوانده شد)  
 پیشنهاد آقای دکتر آقایان - بنده پیش نهاد می کنم که ماده دو حذف شود .  
 د کتر آقایان - آقای معاون وزارت مالیه اینطور اظهار عقیده فرمودند که وقتی قانون را وضع می کنند از نقطه نظر قانونی باید وضع کنند نه از نقطه نظر آنطوریکه عمل خواهد شد .  
 عقیده بنده این مسئله کاملاً بر عکس است . هر قانونی را در بیج وقت نباید از لحاظ فلسفی وضع کرد بلکه از نقطه نظر عمل باید وضع کرد .  
 قانون حالت لباس را دارد برای مملکت و باید همیشه متناسب با مملکت باشد . این ماده را بنده فوق العاده بد و

مضر میدانم که برای دولت هیچ ضررتی نخواهد داشت و برای مردم مخصوصاً برای دهاتی مضرات خیلی زیاد خواهد داشت .  
 آن خطری که آقای معاون وزارت مالیه در نظر دارند که اگر کسی املاک متعددی داشته باشد در بیج پارچه ملکش محصول بد را به عنوان جنس مالیاتی خواهد پرداخت .  
 بنده این خطر را هیچ تصور نمیکنم برای اینکه آن مالکی که پنج ده داشته باشد بقدری نفوذ دارد که آن جنس بد را بمأمور مالیه بدهد مأمور مالیه با کمال اطاعت و افتخار آنرا قبول میکند .  
 این ماده فقط در حق کسانی اجرا می شود که باید یک مشت مالیات بدهد و نفوذ هم ندارد با اوضاع امروزه مملکت ما این ماده فقط نتیجه که خواهد داشت اینست که برای مأمورین خورده پای و تعصیلهای مالیه راه دخلی باز کند که وقتی آمد داخل فلان ملک شد بگوید آقایان جنس بد است من تحویل نمیگیرم .  
 این طرف و آن طرف یک پولی فلان بگیرد تا اینکه جنس را قبول کند این توهین نیست که من نسبت بمأمورین مالیه میکنم بنده اینقدر نزاکت را ملاحظه میکنم ولی تشریف ببرید در کمیسیون عرایض تا به بینید ترتیب چه چیز است از کلیایگان شکایتی رسیده که نوشته بود یک وقتی امر شد که فلان گرفته نشود . . . . .  
 رئیس - ماده شصت و سه نظامنامه را در نظر داشته باشید باختصار باید توضیح داد .  
 د کتر آقایان - بسیار خوب ملاحظه میکنم . می گوید این متجدد المال آمده است که نباید قلع گرفت . خلاصه مالیات همیشه اگر جنس است باید جنس گرفته شود اگر نقدی است باید نقدی گرفته شود .  
 اگر مالیات جنسی قرار شد هر چه خداداد و هر چه عمل آمد مالیه ببرد مالیه را فرض کنید یک شریک الملک . همان طوری که شریک الملک هر چه حاصل شد خواه خوب خواه بد از عین همان می برد مالیه هم حق که دارد باید سهم خود را ببرد خوب شد خوب بدهد بد شد بد .  
 این بود دلایل بنده و به این جهت است که پیش نهاد حذف کردم .  
 رئیس - آقای نظامی عضو کمیسیون هستند؟  
 آقا میرزا بدالله خان نظامی - خیر .  
 رئیس - آقای مخبر - عقیده کمیسیون چیست؟  
 مخبر - اصلاح عقیده کل راجع بقانون همیزی موجود است . که ما در مجلس خوبست فقط قناعت بکنیم بدو سه ماده و مجلس تکلیف دولت را در میزان مالیه مقین کند که دولت از دو باب چه باید بگیرد و از محصول چه باید

گردد و چه چیزها باید معاف باشد و سایر مواد را فعلا دولت در نظامنامه بنویسد و بعد از این که نظامنامه را چندی بوقوع عمل گذاشت معایب و نقایصش را دید آنوقت بیاورد و مجلس ...

این یک ناصولی است و خیلی از آقایان هم طرفدار آن هستند اما فعلا که بنا است همه مواد را مجلس بنویسد پیش نهاد آقای راجع بعطف لازم نیست و این توضیح هم ضرورت نداشت ...

رئیس - پس کمیسیون موافق نیست ... رأی می گیریم باین پیشنهاد ... بعضی از نمایندگان - بعطف که رای گرفته میشود ...

رئیس - آقای آقا شیخ جلال (اجازه) آقا شیخ جلال - بنده تصور میکنم در تمام ممالک دنیا مالیات نقدی را بر مالیات جنس ترجیح میدهند فقط دو چیز علت شده است که مالیات جنس در مملکت ما بر قرار شود ...

بنده هم فعلا با مالیات جنس مخالفت نمی کنم ولی اینکه فرمودند قانون را بایستی از نقطه نظر اجرا وضع کرد بنده بکلی بر خلاف این عقیده هستم و میگویم قانون را فقط بایستی از نقطه نظر اجرا وضع کرد زیرا دیدیم قانون مالیات نمک در همین مجلس وضع شد چون ملاحظه اجرا را نکرده بودند بعد چهار مشکلات شدند و دیدند این قانون قابل اجرا نیست و برای مردم اسباب زحمت است و برای دولت عایداتی ندارد ولی بخارج زیاد دارد این بود که در دوره دیگر ...

مجبور است هر چه از زمین حاصل شود عینا بقدر سهم خودش بردارد خواه جنس خوب باشد خواه بد ... هر چه باشد منتهی باید پاک باشد بی خاک باشد کثافت نداشته باشد ...

اشخاصی که دارای این قبیل زراعت ها هستند برای اینکه از کاری که در دست دارند انتفاعی ببرند و با نهایت دقتی که در این مسئله شده است تمام این چیزهایی که در این ماده اسم برده شده است از سه سال تا پنج سال منتها مدتی است که بتوان از آنها ثمره و انتفاع برداشت و همین مدت پنج سال کافی است و علاوه از این مدت هم ضرورتی ندارد ...

فرزین تذکری بهم که اینقدر حمله به اعضاء کمیسیون نکنند که دولت قبول نمیکند بنده عرض میکنم چرا دولت قبول نمیکند ...

رئیس - پس کمیسیون موافق نیست ... رأی می گیریم باین پیشنهاد ... بعضی از نمایندگان - بعطف که رای گرفته میشود ...

رئیس - آقای آقا شیخ جلال (اجازه) آقا شیخ جلال - بنده تصور میکنم در تمام ممالک دنیا مالیات نقدی را بر مالیات جنس ترجیح میدهند فقط دو چیز علت شده است که مالیات جنس در مملکت ما بر قرار شود ...

بنده هم فعلا با مالیات جنس مخالفت نمی کنم ولی اینکه فرمودند قانون را بایستی از نقطه نظر اجرا وضع کرد بنده بکلی بر خلاف این عقیده هستم و میگویم قانون را فقط بایستی از نقطه نظر اجرا وضع کرد زیرا دیدیم قانون مالیات نمک در همین مجلس وضع شد چون ملاحظه اجرا را نکرده بودند بعد چهار مشکلات شدند و دیدند این قانون قابل اجرا نیست و برای مردم اسباب زحمت است و برای دولت عایداتی ندارد ولی بخارج زیاد دارد این بود که در دوره دیگر ...

مجبور است هر چه از زمین حاصل شود عینا بقدر سهم خودش بردارد خواه جنس خوب باشد خواه بد ... هر چه باشد منتهی باید پاک باشد بی خاک باشد کثافت نداشته باشد ...

اشخاصی که دارای این قبیل زراعت ها هستند برای اینکه از کاری که در دست دارند انتفاعی ببرند و با نهایت دقتی که در این مسئله شده است تمام این چیزهایی که در این ماده اسم برده شده است از سه سال تا پنج سال منتها مدتی است که بتوان از آنها ثمره و انتفاع برداشت و همین مدت پنج سال کافی است و علاوه از این مدت هم ضرورتی ندارد ...

فرزین تذکری بهم که اینقدر حمله به اعضاء کمیسیون نکنند که دولت قبول نمیکند بنده عرض میکنم چرا دولت قبول نمیکند ...

رئیس - پس کمیسیون موافق نیست ... رأی می گیریم باین پیشنهاد ... بعضی از نمایندگان - بعطف که رای گرفته میشود ...

رئیس - آقای آقا شیخ جلال (اجازه) آقا شیخ جلال - بنده تصور میکنم در تمام ممالک دنیا مالیات نقدی را بر مالیات جنس ترجیح میدهند فقط دو چیز علت شده است که مالیات جنس در مملکت ما بر قرار شود ...

بنده هم فعلا با مالیات جنس مخالفت نمی کنم ولی اینکه فرمودند قانون را بایستی از نقطه نظر اجرا وضع کرد بنده بکلی بر خلاف این عقیده هستم و میگویم قانون را فقط بایستی از نقطه نظر اجرا وضع کرد زیرا دیدیم قانون مالیات نمک در همین مجلس وضع شد چون ملاحظه اجرا را نکرده بودند بعد چهار مشکلات شدند و دیدند این قانون قابل اجرا نیست و برای مردم اسباب زحمت است و برای دولت عایداتی ندارد ولی بخارج زیاد دارد این بود که در دوره دیگر ...

مجبور است هر چه از زمین حاصل شود عینا بقدر سهم خودش بردارد خواه جنس خوب باشد خواه بد ... هر چه باشد منتهی باید پاک باشد بی خاک باشد کثافت نداشته باشد ...

اشخاصی که دارای این قبیل زراعت ها هستند برای اینکه از کاری که در دست دارند انتفاعی ببرند و با نهایت دقتی که در این مسئله شده است تمام این چیزهایی که در این ماده اسم برده شده است از سه سال تا پنج سال منتها مدتی است که بتوان از آنها ثمره و انتفاع برداشت و همین مدت پنج سال کافی است و علاوه از این مدت هم ضرورتی ندارد ...

فرزین تذکری بهم که اینقدر حمله به اعضاء کمیسیون نکنند که دولت قبول نمیکند بنده عرض میکنم چرا دولت قبول نمیکند ...

رئیس - پس کمیسیون موافق نیست ... رأی می گیریم باین پیشنهاد ... بعضی از نمایندگان - بعطف که رای گرفته میشود ...

رئیس - آقای آقا شیخ جلال (اجازه) آقا شیخ جلال - بنده تصور میکنم در تمام ممالک دنیا مالیات نقدی را بر مالیات جنس ترجیح میدهند فقط دو چیز علت شده است که مالیات جنس در مملکت ما بر قرار شود ...

بنده هم فعلا با مالیات جنس مخالفت نمی کنم ولی اینکه فرمودند قانون را بایستی از نقطه نظر اجرا وضع کرد بنده بکلی بر خلاف این عقیده هستم و میگویم قانون را فقط بایستی از نقطه نظر اجرا وضع کرد زیرا دیدیم قانون مالیات نمک در همین مجلس وضع شد چون ملاحظه اجرا را نکرده بودند بعد چهار مشکلات شدند و دیدند این قانون قابل اجرا نیست و برای مردم اسباب زحمت است و برای دولت عایداتی ندارد ولی بخارج زیاد دارد این بود که در دوره دیگر ...

مجبور است هر چه از زمین حاصل شود عینا بقدر سهم خودش بردارد خواه جنس خوب باشد خواه بد ... هر چه باشد منتهی باید پاک باشد بی خاک باشد کثافت نداشته باشد ...

اشخاصی که دارای این قبیل زراعت ها هستند برای اینکه از کاری که در دست دارند انتفاعی ببرند و با نهایت دقتی که در این مسئله شده است تمام این چیزهایی که در این ماده اسم برده شده است از سه سال تا پنج سال منتها مدتی است که بتوان از آنها ثمره و انتفاع برداشت و همین مدت پنج سال کافی است و علاوه از این مدت هم ضرورتی ندارد ...

فرزین تذکری بهم که اینقدر حمله به اعضاء کمیسیون نکنند که دولت قبول نمیکند بنده عرض میکنم چرا دولت قبول نمیکند ...

چیزهایی است که باید به يك نتیجه مفیدی بحال عامه از ش بیرون بیاید والا دولت را لازم نیست بنده تشریح کنم .

دولت که عبارت نیست از يك هیئت بخصوص در يك جائی که بخواهد يك عواندی را در پهلوی خودش جمع کند و برای مصرف بخصوص نگاهدارد . دولت يك مجری است برای اینکه قوانین این مجلس را به موقع اجرا بگذارد .

منتها این است که دولت در ضمن عمل بیشتر از مجلس برمیخورد به مشکلات و نواقص و مدافع و آن نواقص و مدافع و مشکلات را در موقع ضرورت حسب التکلیف بعرض مجلس میرساند اگر قبول شد بسیار خوب و اگر قبول نشد که مجلس يك لایحه یا يك ماده واحده یا يك قانونی تصویب می فرماید اعم از اینکه نافع باشد یا نباشد .

می فرماید این را باید بموقع اجرا گذاشت و همان تپا و قعود امر قطعی است و باید هم اجرا شود .

آنچه بنده عرض کردم باز هم عرض میکنم روی این اصل است و لازم میدانم عرض کنم دولت در این قسمت بخصوص و الان مذاکره می شود لذا کرات خودش را کرده است و نمیخواهد اجباری نسبت بر عیت مفلوک کند و رعایت رعیت را هم میکند . اما زیاده تر از ۵ سال را غیر لازم می دانم حالا مجلس تصور میکند که چیز غیر لازم نیست ده سال باشد ۱۵ سال باشد البته يك رائی را تصویب می فرماید اجرا هم میشود .

**بعضی از نمایندگان** - مذاکرات کافی است .  
**رئیس** - پیشنهادات واصله قرائت میشود .

(بشرح ذیل قرائت شد)  
**پیشنهاد آقای مدرس**  
بنده پیشنهاد میکنم بجای ۷ سال نوشته شود تا ممیزی جدید .

**رئیس** - آقای مدرس (اجازه)

**مدرس** - گمان میکنم در اول که قانون ممیزی پیشنهاد شد مسئله جای اینها را بنده پیشنهاد کردم اضافه شود .

از بیاناتی که آقایان کردند بنده همچو می فهمم که حقیقت آن مقصد مجمل ماند معنی ماده این است که وقتی که می رود يك مزرعه را ممیزی کنند مثلاً در رشت که هم برنج دارد و هم کتف دارد و هم ابریشم وقتی که میخواهند ممیزی کنند عایدی برنج را منظور بیاورند و ممیزی کنند ولی عایدی کتف را ممیزی نکنند با آن جای که عاید میشود آنرا منظور نکنند .

آن پیشنهادی که ما کردیم مقصد ما این بود درمازندان هم کتان است نیشکر هم هست اما چقدر قند تا بحال نشینده ایم

که کاشته باشند . بعد از این بکارند نمیدانم حالا بنده می بینم که این را هم ضمیمه کرد . اند . لهذا چون این را هم ضمیمه کرده اند معلوم میشود مشه دستشان نبوده .

حالا این قانون تمام میشود از وزارت مالیه هیئت هائی برای ممیزی میرود و وقتیکه میروند ممیزی کنند این ده من روناس دارد گندم دارد جو دارد . پنبه دارد . گندم و جو و پنبه اش را ممیزی میکنند ولی روناس را کالعدم باید فرض بکنند اگر معنی این ماده این است که سال بسال بر روند مالیات بگیرند مالیات هابها هائی را که ممیزی کرده اند بگیرند ولی آنچه چیزی را که از اول الغاء کرده اند از باب اوما مالیاتی مطالبه نمیکنند دو سال و سه سال و هفت سال را من سر در نمیآورم چه چیز است این را که ممیزی نکردند اسباب تشویق مردم است بجهت ترویج این منابع .

این می ماند تا ممیزی دیگر آنوقت اگر يك و کلای خوبی دارند مثل آقایان که خوب بفکر ملت آنها هم يك ترتیبی درست میکنند و اگر خدای نخواسته مثل ماهستند که خیر و بالاخره بنده دو سال و سه سال و يك سال را نمی دانم یعنی چه .

الان که آقای سردار معتمد ه هزار درخت توت در رشت دارند ممیزی که می رود چکار میکنند این هارامی بیند عایدیش چقدر است و تا هفت سال میگذارد زمین سر هشت سال حساب میکنند نه مالیاتش چقدر است این است مراد شما پیشنهاد قانون ممیزی ما که اینها نبود .

این بود که بجهت تشویق مردم برای ترویج این امتعه اینهارا منظور بیاورند و جزء ممیزی عایدی بشمارند تا مردم تشویق شوند این امتعه ترویج بیاید لهذا بعقیده من آقایان در این مسئله اگر صلاح میدانند زیاده تر از این مذاکره نفرمایند و همینطور از این ممیزی تا ممیزی جدید اگر ممیزی جدید دیگر پنج سال شد سر پنج سال خودشان میدانند و این هفت سال و دو سال و سه سال آن تشویقی که اصلا منظور نظر حاصل نمیشود و عمده نظر این است .

مثلاً از مازندران می بینیم دانه دانه يك کتانى تصفه می آورند معلوم می شود خیلی قلیل است پس باید تشویقشان کرد که این قبیل زیاد شود اصل مقصود این است و بنده گمان این است که بجهت این غرض مشروع يك سال و دو سالش اهمیت ندارد که جلو تشویق را بگیرد . بگویند تا ممیزی دیگر که مردم تشویق شوند این بود عرض بنده و آقای مخبر هم گمان میکنم اگر قبول بفرمایند خوب است  
معاون وزارت مالیه - اگر ماده را

آنطوریکه تشریح فرمودند باشد البته مذاکرائی که نماینده محترم فرمودند جا دارد ولی مقصود از تنظیم این ماده این بوده است که آنچه امروزه وجود دارد کما کان مالیات خودش را بدهد

مدرس - خیر نباید ممیزی شود بنده توضیح دارم  
معاون وزارت مالیه - ولیکن برای تشویق اینطور در نظر گرفته شد که چیزهایی هست که در داخل مملکت خیلی نافع است و در بعضی محلها هم آب و هوا خیلی مساعد است .

اشخاص هم شاید گاهی بفکرشان میگردد و در صد می شوند که يك محصولی را تهیه بکنند ولی بمناسبت اینکه در سنوات اول باید مخارجی بکنند و بدهد يك مالیاتی باید بدهند .

این است که تشویق نمی شوند که دنبال اینکار بروند فرضاً روناس و نیل و امثال اینها و چیزهایی است خیلی مفید و مال التجاره خوبی است برای صدور از مملکت و توستان برای تهیه پنبه و ابریشم و کتان ابریشم بسیار و چیز لازمی است .

بنا بر این برای اینکه هم توسعه پیدا کند و هم مردم تشویق بشوند بکاشتن و پیش بردن این مقصود اینطور گفته شد که هر کس بخواهد غرس درخت توت بکند البته درخت توت در آن نواحی که برای این محصول مفید است که غرس این درخت را بکنند دولت پیشنهاد کرده است پنج سال از تأدی مالیات معاف باشد و همچو فرض کرده است که پنج سال کافی است برای اینکه در سال چهارم میتواند برك بگیرد و کرم ابریشم را خوراک بدهد و همین طور سایر چیزهای دیگر يك میزانی برایش گرفته شد است که از روزی که شروع می کنند و میکارند و فایده میبرند تا فلان مدت از ادای مالیات معاف باشند

برای اینکه فارغ البال و بدون اینکه چیزی بر او تحمیل شود تشویق شوند و بروند دنبال اینکار که هم خودشان بهره ببرند و هم دولت استفاده کند  
مدرس - بنده توضیح باید بدهم  
رئیس - متأسفانه نمی شود  
مدرس معلوم شد اصلا سردر نیآورده اند باید رفع شبهه بشود

رئیس - میفرماید فرمایشات جناب عالی را بر خلاف واقع جلوه داده اند  
مدرس - بلی بر خلاف واقع فرمودند .  
رئیس - بفرمائید  
مدرس - بلی بیانات آقای معاون نمائید  
کرد نظر بنده را که اصلا هم وزارت مالیه و هم بعضی اعضاء کمیسیون مسئله را بر خلاف ملتفت شده اند در مملکت ایران کتان مالیات نمیدهد .

روناس هم مالیات نمیدهد و هم هست که در بیست سال سالی سال صد سال قبل از این يك عایدات اجمالی بر آورد کرده اند و يك مالیاتی هم بهش بسته اند يك دفعه پنبه میکارند يك دفعه درخت يك دفعه انگورو و يك دفعه خر بوزه و هندوانه اینها که مخصوص یکجا کتان داشته باشد یا یکجا ابریشم داشته باشد

درخت ابریشم مادر ولایت خودمان نداریم و نمیدانم درخت ابریشم مالیات دارد یا نه اما جاهائی که دارد گمان میکنم مالیات ندارد که شما بگوئید آنهائی که داشته است مالیات بدهد اصل مقصد این نبوده است مسئله این است

الان شما میفرمائید تا هفت سال دیگر مالیات ندهد در صورتیکه بعد از ممیزی هر کسی هر چه دلش بخواهد میکارد و همان مالیاتی که امسال ممیزی شد باید بدهد

بعد از اینکه ممیزی شد البته من یکسال درخت توت میکارم یکسال خرما يك سال چیز دیگر چه ربطی به موضوع دارد ؟

سال ممیزی مالیات تعیین میشود . از اول مقصود از ممیزی این بود که در وقتی که این ممیزی می رود ممیزی کنند اجناس را که بنظر می آورد که مالیات به آنها ببندد یا عیناً یا قیمتاً چه چیز هائی از آنها را مستثنی کند .

مثلاً در آنوقت يك کسی کرم ابریشم دارد بعد از دو سال دیگر خواست درخت ابریشم را بکند چیز دیگر بکار د آنوقت بعد از دو سال از من که مالیات بدهم بجهت اینکه جای درخت ابریشم چیز دیگر کاشته ام که مالیات مطالبه نمیکند همه مقصود این است که در وقت ممیزی اینها را منظور نیاورند .

اینست که نتیجه دارد و غیر از این هیچ نتیجه ندارد سابق بر این در این مملکت نیشکر مالیات داشت یا روناس مالیات داشت ؟  
مالیات را مزرعه روی هم رفته داشت .  
زراعت مختلف بود . گاهی روناس می کاشتند . بعضی اوقات يك چیز دیگر اصل مقصد این بود و گمان میکنم آن ترتیبی که فلسفه دارد و نتیجه دارد این است و غیر از این ترتیب چه نسبت پیش باشد یا نسبت بعد حرفی است بی فلسفه و بی نتیجه .

من سابق درخت توت داشتم حالا درخت ندارم .  
ممیزی کردند و مالیاتی بر مزرعه من بستند بعد از دو سال دیگر درخت توت کاشتم آنوقت مالیات میدهم بجهت اینکه درخت توت داشتم آنوقت نداشتم .  
زرد آلوداشتم حالا درخت توت را مالیات میدهم .  
بالاخره نتیجه مال ممیزی است و اگر آقایان عرض بنده را توجه فرموده باشند

تصدیق می فرمایند که از باب لایدی و باجاری زیاد توضیح دادم عفو خواهید کرد .

**رئیس** - عقیده کمیسیون چیست ؟  
**مخبر** - کمیسیون جدید که انتخاب شد بعقیده اینکه اعضاء کمیسیون سابق این را تقدیم مجلس کرده بودند با دولت توافق نظر حاصل کرده اند و این کمیسیون مخبر خودش را مجبور کرد که از همان رایرت قدیم دفاع کند و این قانون را از مجلس بگذرانند دولت میگوید ۵ سال که فی است .

از طرف دیگر پیشنهاداتی هم از طرف آقایان میرسد و بنده نظر آقایان اعضاء کمیسیون سابق را نمی دانم چه بوده که این رایرت را تقدیم مجلس کرده اند اگر با دولت توافق نظر حاصل شده و تقدیم مجلس کرده اند پس چرا دولت نظر من را عوض کرده است توافق حاصل نشده پس چرا به مجلس تقدیم کرده اند ؟

در هر حال استدعا میکنم آقایان اجازه بدهند این ماده هم مثل سایر مواد برگردد بکمیسیون آقای مدرس هم تشریف بیاورند بکمیسیون نماینده دولت هم حاضر است رایرت جدیدی تهیه کرده و تقدیم مجلس میشود .

**معاون وزارت مالیه** - اجازه می فرمائید ؟

**رئیس** - تقاضا کرده اند به کمیسیون ارجاع شود . چون آقای مخبر تقاضا کرده اند بکمیسیون ارجاع شود ولی بنده تصور میکنم این ترتیبی که پیش آمده است نسبت باین لایحه مخصوصاً يك ترتیب مطلوبی نیست .

این لایحه چندین ماده است وقت مجلس را اشغال کرده می رود بکمیسیون و نایخته بر میگردد به مجلس بهتر این است که کمیسیون يك ترتیبی در خارج اتخاذ کند و با آقایان تبادل نظر کنند که این قدر وقت مجلس تلف نشود .

**حاج میرزا عبدالوهاب** - بنده عرض دارم .

**رئیس** - راجع بچه  
**حاج میرزا عبدالوهاب** - راجع باینکه کمیسیون با دولت در این باب توافق نظر حاصل کرده بود .

**رئیس** - اینکه گذشت جلسه را ختم میکنم جلسه آینده روز يكشنبه ۳ ساعت و نیم قبل از ظهر دستور بقیه همین قانون ممیزی ۳ فقره شهریه .

(مجلس نیم ساعت قبل از ظهر ختم شد)  
**رئیس مجلس شورای ملی** - سید محمدتدین منشی .  
**منشی** - علی خطیبی